



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودادم!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده: واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم: محمد قاضی

1363

گرد آورنده: سرهنگ چیا

فصل پنجم

2 . پوشاک

2 . لباس زنانه

لباس زنانه نیز که در برابر تاثیرات خارجی، از جمله تماس با اعراب بادیه نشین

مقاومتر است انواع مختلف دارد. در شمال لباس زنانه ساده و عبارت است از: یک پیراهن رنگارنگ بلند و یک شلوار گشاد یا یک دامن کشاد که به هنگام سرما قدری بر پیراهنها می افزایند، و شاید هم از جنس نمد؛ همین و بس. یک دستار گنده هم بر سر می بندند. این شرحی است که "سوون" در باره لباس زنانه داده است.

و اما "دیکسون" می گوید که تشریح لباس زنانه مشکل است و به طور کلی لباسی است بسیار کثیف و ژنده. این لباس شامل شلواری است به شکل کیسه و نوعی پیراهن دراز و رنگارنگ و یک بلوز گل و گشاد. زنان گیسوان خود را به شکل رشته های باریک میبافند و یک کلاه کوچک و گرد مزین به پولکهای شیشه ای بر سر میگذارند و لچکی شل و ول به دور آن می پیچند. در موارد تشریفاتی، این لباس با یک گردن بند نقره ای و زینت آلات شیشه ای و النگوها یا زنجیرهای کوچک از جنس طلا و نقره که به دور سر می بندند تکمیل می شود.

با این حال به سر توصیف "سوون" بر می گردیم که می گوید در کردستان مرکزی و جنوبی لباس زنان پیچیده تر و مفصلتر می شود. زنان مگری و سنندجی برای دستا- رهای بزرگی که بر سر می بندند، و آن توده انبوهی از دستمالهای رنگارنگ ابریشمی است که فقط به یک طرف سر گره میزنند، در میان عشایر دیگر متمایزند. گوشواره ها و النگوها و رشته هایی از سکه های طلا که بر روی پیشانی میبندند، از مضافات معمولی لباس ایشان است. در میان کردان مگری زنان اغلب سرداری یا "چاروکیه" **Tcharoukhiya** می پوشند، و آن جامه سنگینی است که روی یک شانه میاندازند. حجاب به هیچوجه در میان زنان کرد مرسوم نیست و زنها هرگز صورت خود را نمی پوشانند.

لباسهای که زنان سلیمانیه مو پوشند هر چند که دارای ویژگیهای لباس کردان است نشانه هایی از تاثیر ذوق و سلیقه عربی در خود منعکس دارد.

لباس زیر شامل یک پیراهن کوتاه است و شلواری به شکل کیسه که قسمت فوقانی آن از پارچه پنبه ای سفید درست شده و پایین آن از یک پارچه راه راه معمولی است. روی آن پیراهن بلندی می پوشند که تا روی پاهایشان می آید، با آستینهای کوچک و پهن از پارچه پنبه ای سفید که به گردن حمایل می کنند. سپس، روی آن هم قبایی (که وا) می پوشند دراز که تا روی پاها می آید و تکمه ندارد قسمت جلو

آن باز است و از یک پارچه سنگین ساخته شده است، با آستینهای دراز که در مچ از داخل به قدر چند سانتیمتر چاک داده شده است. روی سرشان هم کلاه کوچکی می گذارند مزین به پولک که روی آن "جامانه" djamana یا لچک می اندازند، و آن دستمالی است رنگارنگ که به پشت می افتد و اغلب یک بار هم به دور گردن پیچیده می شود. در اینجا به جای دستار کردی از طناب دراز و قطوری استفاده می کنند که در آن تکه هایی از پارچه سیاه بافته اند و آدم را به یاد مار "بوآ" می اندازد. طناب یا "پوشین" pouchine روی سر و از روی "جامانه" یا لچک گره می خورد، و لباس در مجموع، زیبایی و اصالت خاصی دارد، به ویژه اگر زنی بلند قد آن را بپوشد، و از قضا زنان سلیمانیه بیشتر بلند بالا هستند.

اجازه می خواهم در اینجا شرحی از لباس شهری یک زن اعیان ساوجبلاغی (مهاباد) بدهم که نمونه ای از آن را به همسر من، به هنگامی که در آن شهر اقامت داشتیم، هدیه داند، و ساوجبلاغ از شهرهای کردستان مکرری است. این لباس که بسیار جالب توجه و زیبا است شامل یک پیراهن سفید است و یک شلوار گشاد زربفت که روی آن پیراهن دراز دیگری از جنس ابریشم رنگارنگ می پوشند، بقدری بلند است که تا قوزک پا می آید، و روی آن هم بلوزی می پوشند که آن نیز زربفت است و آستینهای درازی دارد که در مچ به زبانه هایی از جنس تیماج قرمز که منگوله دارد، و به سر نیز لچکی از جنس ابریشم رنگارنگ می بندند. احیانا خواننده فرانسوی خوشحال خواهد شد وقتی بفهمد که همه این اجناس ابریشمی زیبا و این پارچه های زربفت از... لیون: (Lyon از شهرهای صنعتی فرانسه که پارچه های ابریشمی آن معروف است) مترجم می آید.

3. طبقه بندی از نظر پوشاک:

همه این جزئیاتی که در باره لباس کردها نقل کردیم برای تنظیم طبقه بندی قا-طعی که یک نژادشناس بخواهد، ولو برای یک منطقه، ماخذ و نمونه قرار بدهد کافی نیستند؛ و تازه مگر تنوع و گوناگونی بر همه مسایلی که ما به طور کلی در باره کردنان گفته ایم حاکم نیست؟ این موضوع بدون شک ناشی از این واقعیت است که اقامتگاه کردنان شامل منطقه وسیعی از شمال به جنوب و از مغرب به مشرق است

و نحوه زندگی و مشغله ایشان از محلی به محلی دیگر فرق می کند و کردها در طول تاریخ دراز مدتشان هرگز در نقطه واحدی محبوس و منزوی نمانده، بلکه بر عکس، با همسایگان خود تماسهای فراوان داشته اند.

و ما در اینجا به رویه تردید آمیز دکتر: **ه. کریستف** که قبلا چند بار به نامش اشاره کرده ایم، وقتی می خواهد به مسئله لباس کردن بپردازد، پی می بریم، مسئله ای که تحت قاعده و قانون منظمی در نمیآید و آن محقق شریف در این باره مثال بارزی به دست داده است. از جمله، می گوید: غیر ممکن است بتوانیم تعیین کنیم کباس اخلی و مشخص کرد که تحت تاثیر شیوه زندگی و محیط جغرافیایی اقامتگاهش اختیار شده باشد چه بوده است و سهمی که باید به روابط بازرگانی و تماس کردن با عناصر نژادی دیگر در انتخاب لباس نسبت داده شود کدام است.

مثلا در شمال تاثیر ملتهای قفقاز مطرح است، در مشرق از آن ملت ایران در مغرب تاثیر ملت ترک و در جنوب عرب. این تاثیرات بیشتر در ارمنیها محسوس است ولی کردهای چادر نشین نیز بعضا از آن بی نصیب نیستند. آنگاه **کریستف** به تشریح لباس کردن آن گونه که در فلات مرتفع ارمنستان دیده می شود می پردازد، لباسی که شکل و ترکیب آن با آنچه ما هم اکنون از زبان "**سوون**" درباره کردهای کردستان مرکزی و جنوبی گفتیم بطرز محسوسی فرق دارد. کردهای ساکن فلات مرتفع ارمنستان لباسهای خود را با مواد اولیه ای که گله هایشان برای ایشان تولید می کنند می سازند و چندان به داد و ستد متوسل نمیشوند. **چنانکه در فصل سوم بیان کردیم:** در واقع زنان کرد خودشان پارچه میبافند واز پشم گوسفند و بزند و جاجیم درست میکنند، معهذا این تولیدات زبر و زمخت بسیار محکمند و بهتر از پارچه های پنبه ای که از بازار میخرند تن را محافظت می کنند، و چوپانان چادر نشین نیز که بیشتر در معرض اختلافات جوی قرار دارند راحت تر و بهتر از آنها استفاده میکنند.

این حکم در مورد پاپوش نیز صادق است. پوتین، بر خلاف آنچه **دیکسون** در بالا به آن اشاره کرد، در دسترس همه کس نیست، لذا کفش رایج معمولی چاروق پشمی است که اغلب با دست می بافند و قالب پا است و تماس پاهای انسان با زمین را بهتر از پوتین تامین میکند، و این همان گونه که نویسنده این سطور خود مشاهده کرده است برای راه رفتن در کوه بیشتر به درد میخورد. و تازه این خود مورد آموزنده ای است برای عادت دادن پا به آن کار، چنانکه خود من "**واسیلی**" از همان پاپوشها برای

عبور از یخچال " دیودورک " Devdorak واقع بر کوه " قزبک " Kazbek (قفقاز) استفاده کردم. آن پاپوش چاروقی بود از چرم زمخت که به جای پاشنه و تکمه بی رشته بند نخی محکم داشت. این چاروقهارا پیش از پوشیدن از علف خشک و نرمی پر میکنند، و در آن صورت پاها در میان آن احساس راحتی عجیبی میکند و از زبری ها و ناهمواری های زمین در حین صعود از کوه رنج نمی برد. و تازه مگر به هنگام عبور از دریای یخ در شامونیکس Chamonik: (از دره های کوه من بلان که محل ورزش های زمستانی و کوه پیمایی است). (مترجم). از کفشهای معمولی کوه پیمایی به پا دارند جوراب پشمی ضخیم نمی پوشند؟ این نیز با استفاده از همان اصلی است که در بالا به آن اشاره شد.

آنچه ذکر آن باقی مانده است پالتوی ضخیم و نمدی خاصی است به نام: کپنک که چوپانان برای حفاظت خود از سرما و باران به تن می کنند، و آن به شکل کیسه ای است تقریباً چهار گوش که کردهای ماوراء قفقاز به آن می گویند " کولی شوانی "

. Kvale Chevanie

و سرانجام باید گفت که تنها یک چیز از خصوصیات لباس پو-شیدن و خود آراستن در همه کردها مشترک است و آن غنای فوق العاده ای است که در زینتها و رنگها دارند. لباس کردی هرگز یکرنگ و تیره گونه نیست، بلکه همیشه با ترکیب رنگهای مختلف چشمها را به طرز مطبوعی خیره می سازد. آدم به این باور میرسد که طبیعت محیط دور و بر با چراگاههای سرسبز و خرم و گلهای رنگارنگ روییده در میان آنها و برفهای سفید و درخشان از دور و آسمان صاف و آبی و آب سیلابها، و خلاصه مجموع این رنگهای شاد و زنده این ذوق و سلیقه هنرمندانه را که هم در لباس کرد مشاهده می شود و هم در بسیاری از اثاث منزلش از قبیل: فرش و نمد و گلیم و بالشهای گوناگون و تجیرها و غیره، در او گسترش داده است.

و حتماً برد اجتماعی لباس نیز از نظر خواننده دور نمانده است. توضیح: (در لباس یک معنای سیاسی نیز وجود دارد، چنانکه اصلاحات پوشاکی انجام شده در ترکیه و ایران، و هم چنین در زمان پتر کبیر در روسیه این مدعا را ثابت می کند.) (مولف).

در اینجا به موضوع اسلحه در میان کردان نمیپردازیم، چه، اکنون سلاحهای مدرنی که در سایر جاها هست در میان ایسان نیز وجود دارد. نیزه های با پر شترمرغ یا

دم اسب، و گرز و سپر راه موزه ها را در پیش گرفته و رفته اند و آداب و سنن رزمی سابق شاید تنها در قلمزنیهای روی دستهء خنجرها و در خاتم کاریهای روی آنها است که به یاد می آیند.

Chia.rabii@yahoo.com

2010-02-04

مالمو سوئید

3 . خوراک ادامه دارد